

مناسبات غدیر

www.ketab.ir

موضوع: ادبیات، هادی، ۱۳۶۱ -
 عنوان و نام پدیدآور: مناسک غدیر / هادی اکبری.
 مشخصات نشر: تهران: آدینه سبز، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری: ۱۷۰ ص.
 شابک: ۷-۲۳-۶۷۴۵-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
 موضوع: غدیر ششم
 موضوع: غدیر ششم
 موضوع: شیعه - شعائر و مراسم مذهبی
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ م ۲۲۳/۵۴ BP
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۷۵۳۹۶



آدرس: تهران - خیابان انقلاب - خیابان فخرایی - کوچه فاتحی‌داریان - پلاک ۵

نام کتاب	مناسک غدیر
مؤلف	هادی اکبری
ناشر	آدینه سبز
نوبت چاپ	اول / ۱۳۹۱
قطع کتاب	رقعی
چاپ	الهادی
تیراژ	۳۰۰۰ نسخه
شابک	۷-۲۳-۶۷۴۵-۶۰۰-۹۷۸
حروف چینی و صفحه‌آرایی	آتلیه آدینه سبز
آدرس الکترونیکی	Adinesabz_book@yahoo.com

جميع حقوق برای انتشارات آدینه سبز محفوظ است.

تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۵۹۳۹-۶۵-۰۹۱۲۵

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

فهرست

مقدمه	۱۰
چرا عید؟	۱۱
نقش غدیر خم در سعادت انسان	۱۲
علی بن ابی طالب جوان	۱۳
شجاعت:	۱۴
جوانمردی و اصلاح طلبی	۱۴
جانفشانی برای رضای الهی	۱۵
شرافت نسب	۱۶
هم نشان هارون	۱۶
دفاع از حقیقت یا نزاع تاریخی؟	۱۷
فصل اول: واقعه غدیر خم	۲۰
تخلف از بیعت غدیر	۲۶
فصل دوم: فضیلت غدیر در روایات	۲۸
حدیث اول: (غدیر در کلام امام رضا علیه السلام)	۲۸

حدیث دوم: (روز جانشینی انبیا)..... ۳۷

حدیث سوم: (شصت سال عبادت)..... ۳۸

حدیث پنهارم: (غدير روز روزه دارى)..... ۳۹

حدیث پنجم: (صد حج و عمره)..... ۳۹

حدیث ششم: (كفاره شصت سال)..... ۳۹

حدیث هفتم: (هشتاد ماه عمل نيك)..... ۴۰

حدیث هشتم: (شصت سال عمل صالح)..... ۴۰

حدیث نهم: (روز تقرب الہى)..... ۴۱

حدیث دهم: (روزی همچون عروسی)..... ۴۱

فصل سوم : مناسک عید غدیر..... ۴۵

شب عید غدیر..... ۴۵

اعمال..... ۴۵

ادعیه..... ۴۹

روز عید غدیر..... ۵۲

اعمال..... ۵۳

۱. غسل..... ۵۳

۲. روزه..... ۵۴

۳. نماز دو رکعتی..... ۵۵

۳. دو رکعت نماز قبل از ظهر..... ۶۳

۴. دو رکعت نماز هنگام ظهر ۸۴
۵. نحوه ملاقات مؤمنین در عید غدیر ۸۹
- ادعیه ۹۱
۱. تعویذ پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - در روز عید غدیر ۹۱
۲. دعایی دیگر منقول از اقبال ۹۴
۳. دعای روز عید غدیر به روایت دیگر: ۱۵۱
۴. دعای روز غدیر به نقل از شیخ مفید رضوان الله علیه ۱۵۷
۵. زیارت امین الله: ۱۶۴
۶. آخرین عمل در روز غدیر ۱۷۱

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله رب العالمين بارئ الخلاق أجمعين باعث الأنبياء و المرسلين ثم الصلوة و السلام على سيد الأنبياء و المرسلين حبيب إله العالمين أبي القاسم المصطفى محمد صلي الله عليه و آله أجمعين لاسيما بقية الله في الأرضين حجة بن الحسن المهدي روعي و أرواح العالمين لتراب مقدمه الفداء، و الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية مولانا علي بن أبي طالب عليه و على أولاده السلام.

نکته‌ای را که شاید برای برخی سؤال برانگیز باشد و اگر برای برخی دیگر حل شود نگرششان به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام تغییر کند این است که؛ چرا روزی را که او به ولایت برگزیده شد را به عنوان اعظم اعیاد مسلمین یاد می‌کنند و برای آن روز اعمال و عبادات زیادی منظور شده است؟

آیا این همه جشن و پایکوبی و از طرفی این همه تعصب و پافشاری بر اثبات ولایت او از سر لجبازی و تعصب جاهلانه نیست؟ چرا پس از گذشت هزار و اندی سال هنوز بین مسلمین این نزاع و کشمکش وجود دارد که خلیفه بلا فصل پیامبر که بوده؟ چرا این اختلاف نظرها هنوز باعث ریخته شدن خون عده‌ای بی‌گناه می‌شود؟ آیا بهتر نیست این نزاع را کنار گذاشته و به مسائل مهمتری پرداخته شود؟

این‌ها نمونه‌ای از سؤالاتی است که شاید ذهن عده‌ای را به خود مشغول نموده است. لذا قبل از اینکه به مناسک این روز بپردازیم ضرورت دارد که در حد توان به این سؤالات پاسخ درخور داده شود تا اگر جواب قانع‌کننده‌ای یافت شد با اطمینان قلبی بیشتری بتوان به مناسک این روز بزرگ مشغول شد.

چرا عید؟

اولین نکته که باید به آن توجه نمود لفظ عید است. در متون دینی به چه روزی عید اطلاق شده و عید را چگونه تعریف می‌کنند؟
 علی علیه السلام در روز عید فطر فرمود: «إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبْلَ اللَّهِ صِيَامَهُ وَشُكْرُ قِيَامِهِ، وَ كُلُّ يَوْمٍ لَا يَعْصِي اللَّهَ غِيَةً فَهُوَ عِيدٌ» «این روز برای کسی عید است که خداوند روزه‌اش را پذیرفته باشد و نماز او را ستوده باشد، و هر روزی که در آن نافرمانی خدا را نکنند آن روز عید است»^۱ همانطور که از روایت معلوم است عید واقعی روزی است که در آن معصیت خدا نشود یعنی روزی که انسان برای سعادت‌مند شدن خویش کاری کرده باشد و کمترین کاری که برای این منظور می‌شود کرد این است که عملی که او را از مسیر حق منحرف نماید انجام نداده باشد. به عبارت واضحتر عید واقعی روزی است که در آن سعادت وی رقم بخورد در چنین شرایطی عید محقق می‌گردد. با توجه به این نکته و با در نظر گرفتن روایاتی که درباره روز غدیر خم آمده که آن را اعظم اعیاد مسلمین و عید الله الأكبر نامیده

است به این نتیجه خواهیم رسید که در این روز واقعه ای رخ داده است که تأثیر مستقیم بر سعادت انسان‌ها دارد.

نقش غدیر خم در سعادت انسان

این واقعه چه بود؟ و چه تأثیر مستقیمی بر سعادت انسان دارد؟

پیامبر خدا فرمود: «(من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة)»^۱ هر کس بمیرد در حالیکه امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی (بی دین) از دنیا رفته است.

و امام باقر علیه السلام فرمود: «(من مات و هو عارف لامامه لا یضره تقدم هذا الامر او تأخره و من مات و هو عارف لامامه کمن هو مع القائم فی قسطاطه)»^۲ «هر کس بمیرد در حالیکه امامش را بشناسد پیش و پس افتادن امر ظهور به او هیچ ضرری نمی‌زند و کسی که با معرفت امامش بمیرد مانند کسی است که با حضرت قائم در خیمه‌اش بوده باشد.»

این دو روایت شریف ضرورت شناخت امام و رهبر را مشخص می‌نماید؛ ضرورت شناخت امام ضرورت حفظ دین است و در صورت عدم شناخت نه اینکه دین شخص ناقص است خیر بلکه بی‌دین ماندن است و خود را بازی دادن است گرچه تمام عمر بلکه دهر را به عبادت بپردازد.

عن ابی حمزة الثمالی قال: قال لنا علی بن الحسین علیه السلام: أئی البقاع أفضل؟ قلنا: الله و رسوله و ابن رسوله أعلم، فقال لنا: أفضل البقاع ما بین الرکن و المقام، و لو أن رجلاً عمّر ما عمّر نوح فی قومه، أنفک

۱. صحیح بخاری ۵: ۱۳، صحیح مسلم ۶: ۲۱

۲. الکافی ۱: ۲۷۱ الحدیث ۵

إلا خمسين عاماً، يصوم النهار، ويقوم الليل في ذلك المكان، ثم لقي الله بغيرة ولايتنا لم ينفعه ذلك شيئاً.

«ابو حمزه ثمالی نقل می کند که: امام سجاد علیه السلام به ما فرمود: می دانید کدام مکان از همه جا با فضیلت تر است؟ عرض کردیم: خدا و رسولش و پسر رسولش داناترند، ایشان فرمود: افضل مکانها بین رکن و مقام است، و اگر کسی به اندازه ای که نوح بین قومش عمر کرد یعنی نهصد و پنجاه سال عمر کند، روزها را روزه بگیرد و شبها را در بین رکن و مقام نماز بگذارد سپس درجالی خدا را ملاقات کند که ولایت ما را نداشته باشد هیچکدام از اعمالش سودی برایش نخواهد داشت.»

پس در این روز امام هدایت و کسی که تضمین کننده سعادت انسانهاست به مردم شناسانده شده است بنابراین چنین روزی را باید عید گرفت، فرقی نمی کند این شخص علی بن ابی طالب - علیه آلاف التحية و الثناء و روحی له و لأبنائه الفدا - باشد یا دیگری باشد آنچه مهم است این است که در این روز کسی به ولایت منصوب شده که زمام سعادت خلق را بر عهده گرفته است. و اگر در این روز پیامبر هر شخص دیگری را به زعامت و ولایت امور مسلمین می گماشت برای ولایت او نیز باید جشن گرفته می شد.

علی بن ابی طالب جوان

چرا علی بن ابی طالب زمامدار سعادت شد در حالیکه کسانی در بین اصحاب پیامبر بودند که شاید لایقتر به این مقام بودند؟

در پاسخ باید بررسی کرد که چه ویژگی‌های لازمه لیاقت و یا عدم لیاقت است؟ قطعا در این مورد نباید لیاقت را در سن و سال و ملاک بودن جویا شد چرا که خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقِيكُمْ»^۱ کرامت و بزرگی در نزد خداوند بر حسب تقواست. اما هر خصیصه‌ای که لایق بودن را برای امر زعامت مسلمین رقم بزند علی گوی سبقت را در کسب آن از دیگران ربوده است. شجاعت:

هیچ یک از اهل اسلام شجاعت علی را انکار نکرده بلکه او را ستوده‌اند حتی صاحبان ادیان مختلف این سجیه را در علی ستوده‌اند؛ جرج جرداق مسیحی در وصف شجاعت او می‌گوید: «هان! این همان علی است که به وسیله شمشیرش ظلمتها را از هم می‌درد و بر مغز دشمنان صاعقه فرو می‌ریزد. و بادهای سخت و غبارانگیزشان را پراکنده می‌سازد. اوست که آنچنان می‌خروشد که اشک چشمش به جرقه آتش تبدیل می‌شود و عطوفت قلبش به شعله فروزان»^۲ و این در حالی است که رقبای علی در خلافت چنین نبوده‌اند. مورخین تاریخ اسلام نقل نموده‌اند که در جنگ حنین همه مسلمانان از کنار پیامبر پراکنده شده و فرار کردند الا پنج نفر و در احد همه فرار کردند الا علی بن ابی طالب.

جوانمردی و اصلاح طلبی

اوست که زمانی که مردم عراق بدگویی شامیان را نسبت به علی شنیدند و مانند آنان نسبت به شامیان بدگویی را رواج دادند؛ این عمل که

۱. سوره مبارکه حجرات آیه ۱۳

۲. امام علی صدای عدالت انسانیت/ جرج جرداق/ ج ۵ ص ۲۹۵

به گوش علی ^{علیه السلام} رسید و مشاهده کرد باب بددهنی و ناسزا باز شده و کرامت انسانها زیر سؤال رفته فرمود:

«من دوست ندارم که شما بدگویی کنید، اگر شما کردارشان را بیان کنید و احوالشان را نقل کنید حرف صحیحتری زده‌اید و برای عذر آوردن مناسب‌تر است. شما به جای بدگویی نسبت به آنها، بگویید: بار خدایا خون ما و آنها را حفظ کن و اختلاف ما را برطرف ساز، آنها را از گمراهی بیرون بیاور تا آنان که نادانند حق را بشناسند و ستمگران و تجاوزکارانشان دست از ستمگری بردارند.»^۱

جانفشانی برای رضای الهی

لیلة المیت^۲ او در تاریخ هیچ وصیی سابقه نداشته و دفاع او از جان پیامبر در احد نیز بر کسی مخفی نیست که آنچنان کوشید که فرشته وحی در حق او سرود: لا فتی الا علی و لا سیف الا ذوالفقار^۳ و در مقابل کسانی که رقیب علی در خلافتند در تاریخ خیانت‌های ایشان به پیامبر مشهور است که با هم در حین برگشت از تبوک هم پیمان شدند تا هنگام عبور پیامبر از عقبه که راه باریکی بوده است شتر حضرت را رم دهند تا حضرت به دره سقوط کند و کشته شود. و خداوند این خیانت را توسط فرشته وحی به پیامبر تذکر داد و مفسرین^۴ و مورخین به این واقعه اشاره نموده‌اند.^۵

۱. نهج البلاغه خطبه ۲۰۶ و قد سمع قوما من اصحابه یسبون اهل الشام ایام حربهم یصفین

۲. ر.ک: به تفاسیر سوره مبارکه بقره آیه ۲۰۷

۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید ج ۱۴ ص ۲۵۳

۴. ذیل آیه ۷۴ سوره توبه

۵. اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۱، ص ۳۹۱ - المحلی، ابن حزم، ج ۱۱، ص ۲۲۴.

شرافت نسب

او همچون خود پیامبر از شریفترین نسب برخوردار است که کسی غیر از او و خاندانش در میان عرب و عجم به این شرافت نرسیده و نخواهد رسید. ولی ناپاک بودن نسب برخی مدعیان خلافت معلوم و واضح است و از آنجا که بنا بر جدال و ایجاد حساسیت نیست از بیان آن پرهیز می شود.^۱ و در قرابت با پیامبر کیست همچو او که پاره تن پیامبر کسی که بضعه مصطفی است در خانه او باشد و امین پیامبر نسبت به دخترش باشد. و حال آنکه دیگران برای ایجاد قرابت به هر دست آویزی متمسک شدند ولی قرآن به حیات‌ها و آزارهای ایشان تصریح می‌فرماید.^۲

هم شأن هارون

کیست در بین اصحاب که در شأن او حدیث منزلت وارد شده باشد؛ که «أنت منی بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي»^۳ تا آنجا که شخص خلیفه دوم نیز به این فضیلت در علی غبطه می‌خورد و آرزو می‌کند که ای کاش پیامبر این حدیث را در شأن او بیان می‌فرمود.^۴ و همینطور در مابقی صفات و سجایا از دیگران برتر بود لذا اگر کسی جز علی به این منصب تکیه می‌زد باید سؤال می‌شد که با وجود علی دیگری چرا؟

۱. ب. ک. به کتاب حقیقه الشیعه ابواب نسب خلفا

۲. سوره مبارکه تحریم آیات ۱-۳.

۳. فضائل الصحابة، صحيح البخاری، حدیث ۲۵۰۳- کتاب فضائل الصحابة، صحيح مسلم، حدیث ۲۴۰۴

۴. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۱۲۲، حدیث ۳۶۳۹۲- ذخائرالمقبی، ص ۵۸ و ۷۷ - یانبع الموده، ج ۲، ص ۱۴۶ و ۱۶۹

دفاع از حقیقت یا نزاع تاریخی؟

پس از هزار و اندی سال که نه علی هست و نه رقیبان او در خلافت
چرا این نزاع و کشمکش پایان ندارد و هنوز شاهد این همه اختلاف هستیم؟
حدیث ثقلین که به تعبیر مختلف ولی با مضمون واحد از طریق شیعه و
سنی نقل شده است بیان گر این است که هدایت امت در گرو پیروی از
کتاب خدا و عترت در کنار هم است و هر کدام که ترک شود سبب اعوجاج و
انحراف می شود و حتی این حجر عسقلانی که از بزرگترین علما و اکابر اهل
سنت است در کتاب صواعق المحرقة روایت را اینگونه نقل می کند: «... و لا
تقصروا عنهما فتهلكوا» ... که کوتاهی از این دو، سبب هلاکت می باشد.

پس اگر کسی بخواهد به اندازه خردلی برای هدایت امت زحمت کشد
باید امت را با این دو به نحوی که پیامبر دستور داده است آشتی داده و
آشنا کند نه کوتاهی کند تا جایی که ولایت اهل بیت در کنار قرآن ترک
شود و نه آن قدر تأکید بی جا شود که منجر به غلو در شأن اهل بیت شود
یا اینکه کتاب خدا کنار گذاشته شود بلکه باید راه اعتدال در این راستا
پیش گرفته شود همانطور که سیره علمای راستین و ناب شیعه بوده
همچون مرحوم علامه امینی، علامه حلی، شیخ مفید و دیگر بزرگانی که
نیاز به نام بردن تک تک ایشان نمی باشد. لذا آنچه که باعث می شود هنوز
بعد از هزار و اندی سال این بحث به حرارت خود باقی بماند دغدغه هدایت
و سعادت مردم است. نه لجاجت و قومیت گرایی چرا که اگر چنین بود
اعراب حجاز بیش از ما باید به این قومیت گرایی دامن می زدند نه شیعیان
ایران که با حرارت تر از دیگر شیعیان این بحث را پی می گیرند.

۱. مستند احمد بن حنبل، ج ۳، صص ۱۴، ۱۷، ۲۶، ۵۹، ج ۴، صص ۲۶۶، ۲۷۰-۲۷۲ - صواعق المحرقة.

این حجر هیتمی، فصل ۱۱، بخش ۱، ص ۲۳۰-

امیدوارم که خداوند ما را از موالیان آن حضرت و هدایت یافتگان به ولایت ایشان قرار دهد.

فائده خیر موفق و اکبر هادی
هادی اکبری - تهران - رمضان ۱۴۲۹

www.ketab.ir